

آیا امپراتوری اصول‌گرایان به پایان می‌رسد؟ معادلات و معاملات در انتخابات ریاست جمهوری



شهراد افشاری
Shahrad42@yahoo.com

در صحنه رقابت‌ها منصرف کنند، اما هنگامی که خاتمی اعلام کرد که با جدیت وارد عرصه انتخابات می‌شود، در کنار وظیفه همیشگی مخالفان که زدن تهمت و افترا برای رسیدن به اهداف سیاسی است، یک سناریوی ظریف و سیاسی، یا به عبارتی دیگر یک معامله سیاسی از طرف اصول‌گرایان در صحنه رقابت‌ها مطرح شد تا بار دیگر و به شکلی دیگر او را از صحنه خارج کنند.

مخالفان خاتمی که او را یک آلترناتیو قدرتمند برای جایگزینی احمدی‌نژاد می‌دانند، این بار توسط علی مطهری نماینده شاخص اصول‌گرای مجلس کوشیدند با طرح یک معامله پنهان، سید اصلاحات را از ادامه حضور در عرصه انتخابات باز دارند.

نماینده تهران در مجلس و عضو مشهور اصول‌گرا در گفت‌وگو با یک خبرنگاری رسمی کشور اظهار داشت: «طرح معرفی همزمان دو نامزد اصول‌گرا در انتخابات ریاست جمهوری به نحوی که هیچ کدام از آنان رئیس جمهوری فعلی نباشند، با اشخاص مختلف در میان گذاشته شد و همه افراد با آن موافق بودند. طرح هم‌اکنون زمینه خوبی دارد، اما پیگیری ادامه طرح منوط به این است که آقای خاتمی کاندیدای ریاست جمهوری نباشد یا اینکه از عرصه کنار رود».

وی افزود: «طبیعتاً با حضور خاتمی در عرصه انتخابات ما طرح خود را پیگیری نخواهیم کرد. مطهری در عین حال گفت که با حضور خاتمی در عرصه انتخابات اجماع نسبی روی احمدی‌نژاد به عنوان نامزد اصول‌گرایان صورت می‌گیرد، اما اگر خاتمی حضور نداشته باشد، وضع به طور کامل عوض می‌شود.

وی همچنین افزود که در صورت انصراف خاتمی در نامزدی انتخابات ریاست جمهوری، طرح مذکور بار دیگر به جریان افتد».

هر چند مطهری در طرح خود نام اشخاصی را که با آنها مذاکره کرده، نبرده و در ظاهر موافق آمدن احمدی‌نژاد هم نیست، اما در واقع پیشنهاد او یک معامله سیاسی با اصلاح‌طلبان است تا از طرفی اصول‌گرایان در دور بعدی انتخابات خیالشان از بابت نیامدن خاتمی راحت‌تر شود و از طرف دیگر با این طرح، ناراضیاتی خود را از عملکرد احمدی‌نژاد اعلام کرده و تلویحاً خواستار نیامدن وی به صحنه انتخابات نیز هستند.

هر چند در ظاهر پاسخی از سوی خاتمی و اصلاح‌طلبان به این پیشنهاد داده نشده است، اما به نظر می‌رسد مطهری پیش از طرح این مساله یا پیشنهاد قطعا با سران اصول‌گرا در این باره مذاکره کرده و توافق آنها را گرفته تا از این طریق سعی در انصراف خاتمی از حضور در رقابت‌های انتخاباتی نماید.

اگرچه هنوز درباره شکست این طرح نباید قضاوت کرد و باید به انتظار روزهای آینده نشست، ولی به نظر نمی‌رسد این پیشنهاد با واکنش مثبتی از هر دو جناح روبه‌رو شود. اما مهندس موسوی که این روزها با سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های خود از لاک ۲۰ ساله خود بیرون آمده و با سیاست آشتی کرده، برخلاف دوره‌های قبل که به تمامی درخواست‌های مطرح شده پاسخ منفی می‌داد، این بار و در آستانه سرنوشت‌سازترین انتخابات عمر جمهوری اسلامی ایران به صورت فعال ظاهر شده و با انتقاد از عملکرد چند

تاکنون قدرت مانور وسیع و تصمیم‌گیری را از اصول‌گرایان گرفته و آنان را به تناقض‌گویی گسترده و پراکنده در محافل سیاسی و مطبوعاتی وادار کرده است.

واقعیت این است که خاتمی هنوز در بین مردم محبوبیت خاصی دارد و مردم از صداقت و نوع گفت‌وگو وی راضی هستند، هر چند در او قاطعیت بالایی برای برخورد با مخالفانش را رویت نمی‌کنند. اما در آن سو احمدی‌نژاد قرار دارد که با بردن بخش زیادی از بودجه به استان‌ها، شهرها و مراکز محروم کشور، به جای یاد دادن ماهیگیری به آنها، فقط ماهی‌ها را در بینشان توزیع کرده که این کار اگر چه برای بخشی از محرومان جامعه حالت مسکن دارد و گوشه‌ای از مشکلات آنها را حل می‌کند، اما در درازمدت نه تنها امکان‌پذیر نیست که از این شیوه برای حمایت از مردم استفاده کرد، بلکه تداوم آن، ضربات جبران‌ناپذیری را بر نظام مالی و بودجه‌ای کشور وارد می‌کند.

با این همه به‌رغم ساختار شکنی‌های دولت نهم و گالیه‌های متعدد کارشناسان و صاحب‌نظران وی همچنان حامیان سفت و سختی دارد و می‌تواند رقیب قدرتمندی برای خاتمی، موسوی و یا کروبی باشد. در هر حال در انتخابات سال آینده به دلیل تنوع کاندیدا در هر دو جناح اگر چه رقابت‌ها در یک سو به حالت دوقطبی درمی‌آید، اما در عین حال به دلیل حضور چند کاندیدا از یک جناح، این رقابت‌ها جنبه رقابت درون‌جناحی نیز دارد.

محتلم‌ترین سناریو و پیش‌بینی‌ها این است که از بین کاندیداهای دو جناح در دوره اول، یک نفر از اصلاح‌طلبان و یک نفر نیز از اصول‌گرایان به دور دوم بروند (البته در صورت کشیدن انتخابات به دور دوم) تا در این دور، تمامی توان و ظرفیت‌های اصلاح‌طلبان و اصول‌گرایان برای حمایت از کاندیدای واحد بسیج شود.

نکته قابل ذکر این دوره از انتخابات، ترس و نگرانی اصول‌گرایان از حضور خاتمی و موسوی است. آنها به دلیل سکوت ۲۰ ساله مهندس موسوی و پایبندی او بر اصول و ارزش‌های انقلاب قادر به تخریب شخصیت وی نیستند، چون می‌دانند با این کار بر سید آرای احتمالی وی در انتخابات خواهند افزود. اما آن سوتر سید محمد خاتمی است که به دلیل اصلاحات انجام گرفته در دولت او، با مخالفان سفت و سختی مواجه است. از این رو مدتی است که با تخریب شخصیت وی و ضعیف نشان دادن عملکرد دولت اصلاحات در درجه اول کوشیدند وی را از حضور

با مشخص شدن وضعیت کاندیداها در جناح اصلاح‌طلب، آرایش انتخابات اصلاح‌طلبان تا حد زیادی شفاف شده و باید روزهای آخر سال را به انتظار شنیدن اخبار مهم و تا حدودی غیرمترقبه سپری کرد.

اصلاح‌طلبان این بار با تمام قوا ژنرال‌های خود را وارد عرصه رقابت‌ها کردند تا سرانجام پس از مشخص شدن وضعیت آنها در بین افکار عمومی در دقایق پایانی رقابت‌ها به نفع یک نفر کنار بروند. هر چند اولین نامزد اصلاحات شیخ مهدی کروبی بود که وارد عرصه شد و چند بار هم اعلام کرد که حاضر نیست به نفع کس دیگری کناره‌گیری کند، اما با ورود سید محمد خاتمی و فعالیت جدی‌تر مهندس میرحسین موسوی در عرصه انتخابات، پازل انتخابات اصلاح‌طلبان اگر چه قدری پیچیده‌تر شد، اما تا حد زیادی به تکامل رسید و نشان داد که آنها به هیچ قیمتی حاضر نیستند که رئیس جمهوری آینده بار دیگر محمود احمدی‌نژاد شود، به همین دلیل یک بازی تاکتیکی و سیاسی-انتخاباتی را آغاز کردند که تا حدی جناح رقیب را نیز به اشتباه و تکاپو انداخته است.

اصلاح‌طلبان که با مرور تجارب سال‌های گذشته باید امسال در این انتخابات سرنوشت‌ساز و نفس‌گیر با وحدت کامل و اجماع بر روی یک گزینه نهایی وارد عرصه رقابت‌ها می‌شدند، تنها راه چاره را در تئوری «وحدت در عین کثرت» یافتند تا از این رهگذر در عین رفاقت، رقابت را نیز تجربه کنند. اگر چه تا این زمان (چهارم اسفند) هنوز از ورود رسمی مهندس میرحسین موسوی به عرصه رقابت‌ها خبری نیست، اما شکستن سکوت ۲۰ ساله وی و حضور و سخنرانی در مجامع عمومی بخشی از سناریویی است که وی قصد دارد در این دوره از انتخابات آن را به اجرا درآورد. در واقع امسال برای اولین بار اصلاح‌طلبان با تمام توان و ظرفیت‌های خود وارد میدان شدند تا نه تنها از هجمه و تخریب گسترده نامزد خود از سوی جناح رقیب در امان بمانند، بلکه با تنوع کاندیداها قدرت مانور و تصمیم‌گیری در جناح اصول‌گرا را از بین ببرند.

هر چند پیش از این قرار شده بود از بین خاتمی یا موسوی یک کدام وارد عرصه رقابت‌ها شوند، اما به دلیل پیچیدگی شرایط سیاسی و انتخابات در جامعه امروز و به توافق نرسیدن اصول‌گرایان بر روی یک کاندیدای خاص، به نظر می‌رسد شیوه‌ای که در جناح اصلاح‌طلب اتخاذ شده، به‌رغم تنوع کاندیدا، برعکس دوره‌های گذشته

بدین ترتیب حضور وی حتی به صورت سمبلیک یک پیام اصلی برای همه دارد و آن اعلام نارضایتی تمامی جناح‌ها از عملکرد دولت احمدی‌نژاد است، البته در ظاهر هم که شده برخی اصول‌گرایان در زیر بیرق او سینه می‌زنند، اما در نهایت دنبال شخص دیگری هستند تا او را وارد صحنه کنند.

نکته مهم دیگر این سناریو، فعالیت تمامی کاندیداهای اصلاح‌طلب تا آخرین روزهای تبلیغات انتخاباتی است تا اینکه طبق نظرسنجی‌های انجام شده و سنجش مقبولیت نامزدها، یک نفر بماند و بقیه به نفع او کنار روند. مهدی کروبی دبیر کل حزب اعتماد ملی که پیش از این صحبت از کناره‌گیری نمی‌کرد، اوایل اسفندماه در دیدار اعضای فراکسیون خط امام (ره) تاکید کرد: نتایج نظرسنجی‌های واقعی در روزهای اخیر می‌تواند راه را برای اجماع نشان دهد.

تعیین کرده بود. اکنون باید به این پرسش پاسخ داد که آیا خاتمی در نهایت تسلیم فشارهای اطرافیان خود شده و از موسوی عبور کرده و یا اینکه مساله میرحسین و کاندیداتوری دیرهنگام او همه بخشی از یک سناریوی حساب‌شده توسط اصلاح‌طلبان برای ایجاد سردرگمی در اردوگاه اصول‌گرایان است؟!

بسیاری معتقدند اطرافیان تندرو خاتمی همچون جبهه مشارکت و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی همچنان صحنه گردانندگان اصلی ستاد او هستند، اما حضور خاتمی در دفتر مجمع روحانیون و اعلام رسمی نامزدی در این دفتر در واقع نشانگر این موضوع است که وی در دور بعدی قصد ندارد اجازه مانور بیش از حد به عناصر افراطی اصلاح‌طلب بدهد، بنابراین به نظر می‌رسد محور حرکات

سال اخیر کشور به نوعی گفتمان دهه چهارم انقلاب را مطرح می‌کند.

وی با مرور تحولات اخیر و نیز بحران‌های مالی رخ داده در غرب و احتمال سرایت تبعات منفی آن به کشور، این بار و برخلاف سنوات قبل می‌کوشد نقش فعالی را در صحنه سیاسی جامعه ایفا کند، که با فعال کردن ستادهای تبلیغاتی و انتخاباتی همراه است و او می‌تواند تجربه سال‌های فعالیت خود در پست نخست‌وزیری را در اختیار مردم و جامعه قرار دهد و از طرف دیگر با آمدن یا مطرح کردن خود، اردوگاه اصول‌گرایان را دو پاره کرده و حداقل بخشی از آرای آنها را به سید خود بیفزاید.

با این حال هنوز تکلیف نامزد نهایی اصول‌گرایان تعیین نشده و از قرار معلوم تا پایان سال نامزد یا نامزدهای

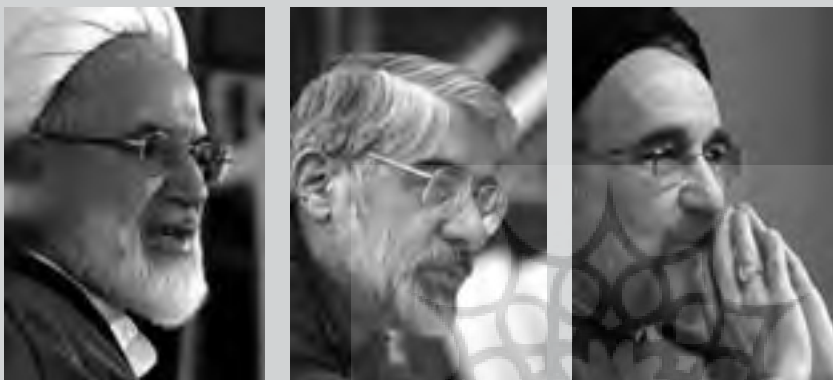
این جناح معرفی نخواهند شد، اما روزها، هفته‌ها و ماه‌های آینده آستان وقایع و رویدادهای مهمی خواهد بود که بی‌شک نقش عمده‌ای در ترسیم فضای سیاسی کشور خواهد داشت.

با این توصیف در سال آینده بسیاری از رای‌دهندگان که خاتمی را قبول ندارند و با اصلاحات دولت او در گذشته مخالف بودند، این بار برای جلوگیری از موفقیت دوباره

استراتژی انتخابات اصلاح‌طلبان این بار اردوگاه اصول‌گرایان را دچار تفرقه و تردید کرده است

احمدی‌نژاد (در صورت انتخاب وی به عنوان نامزد نهایی اصول‌گرایان) مجدداً به پای صندوق‌های رای می‌روند تا برخلاف سنوات قبل از خانه‌نشینی و قهر با انتخابات اجتناب ورزند. اما در هر حال ورود خاتمی و احمدی‌نژاد به صحنه انتخابات برای آنها یک ریسک پرخطر محسوب می‌شود، زیرا در صورت شکست هر کدام از آنها، برای مدت نامعلوم گفتمان اصلاح‌طلبانه با اصول‌گرایان به کما فرو خواهد رفت، و درست از همین رو است که برخی از عقلای راست و چپ و سخن از طرح وحدت ملی به میان می‌آورند که محور اصلی آن حضور نیافتن خاتمی و احمدی‌نژاد است، یعنی طرحی که تقریباً بی‌شبهت به پیشنهاد علی مطهری نماینده مجلس نیست. این ریسک اگر آن قدر افزایش یابد که جناح‌ها در آستانه انتخابات به توافق نهایی برسند، امکان دارد این معامله، با جمله «ما از خاتمی صرف‌نظر می‌کنیم، به شرط آن که شما هم احمدی‌نژاد را کنار بگذارید» به اتمام رسد.

خاتمی تا روز قبل از اعلام حضورش گفت که تمام تلاشش این است که میرحسین موسوی را برای نامزدی متقاعد کند زیرا حساسیت‌ها بر روی او زیاد است، لذا کسی باید رییس جمهوری شود که بتواند فارغ از مشکلات بعدی برای کشور و مردم کار کند. صبح روز بعد هم که خبر رسمی نامزدی‌اش اعلام شد، یکی از اعضای ستاد میرحسین موسوی پیش خاتمی رفت و از وی خواست که اعلام کاندیداتورش را دو هفته به تعویق اندازد تا بتوان میرحسین را برای ورود به عرصه آماده کرد، اما خاتمی در حالی بر حضور خود در انتخابات تاکید کرد که مهندس موسوی ستادش را تشکیل داده و حتی رییس آن را نیز



وی گفت: اگر نگرانی از تفرقه آراء و پراکندگی آن به دلیل کاندیدای متعدد است، باید بگویم نتایج نظرسنجی‌های واقعی در آخرین ماه‌های قبل از برگزاری انتخابات و نیز میزان استقبال مردم از کاندیداها در سفرهای استانی می‌تواند اوضاع و احوال هر یک از کاندیداها و میزان مقبولیت آنها بین مردم را نشان دهد و بر این اساس سایرین می‌توانند تصمیم نهایی را بگیرند.

در نهایت با توجه به آغاز دهه چهارم انقلاب که دهه پیشرفت و عدالت نام دارد، به نظر می‌رسد تلاش اصلی بر محور ایجاد تناسب بین جامعه و حاکمیت است تا از این رهگذر هم افکار عمومی اعتماد بیشتری به حاکمیت پیدا کنند و هم پروژه گسترش یک جامعه مطلوب و آرمانی همگام با مردم و حاکمیت شکل تازه‌ای بگیرد. گفتمان جدید دهه چهارم انقلاب نباید مبتنی بر سوءظن، تخریب‌ها، تضعیف مدیران و شخصیت‌های نظام و تحمیل نظرات و سلیقه‌های شخصی بر کشور باشد، بلکه باید نخبگان سیاسی نسل‌های اول و دوم با پیروی از اصول وحدت و ائتلاف نیروهای معتقد و انقلابی به جای طرح دعوای بی‌حاصل، در پی حفظ وحدت ملی باشند.

با این همه به نظر می‌رسد در سال آینده هر کدام از نامزدهای انتخابات اعم از اصلاح‌طلب یا اصول‌گرا قدرت را به دست بگیرند، از یک توافق گسترده در بین سطوح مختلف حاکمیت بهره‌مند شده‌اند. حال باید به انتظار نشست و دید آیا امپراتوری اصول‌گرایان به پایان خواهد رسید یا اینکه انتخابات، سرنوشت دیگری را برای کشور رقم می‌زند.

آینده خاتمی نیروهای معتدل اصلاح‌طلب است تا شاید فشار کمتری بر وی از ناحیه مخالفان وارد شود.

استراتژی اصلاح‌طلبان در این دوره از انتخابات اگرچه در ظاهر با کنش‌ها و واکنش‌های گسترده‌ای از حیث تنوع کاندیدا برخوردار است، اما در پس این تنوع یک هوشمندی سیاسی نهفته است و همان طور که اشاره شد اگر در این جناح فقط از ابتدا یک نامزد همچون خاتمی اعلام حضور می‌کرد، تمام اهرم‌های فشار و تخریب مخالفانش علیه او بسیج می‌شد تا به هر نحو ممکن جلوی ورود او را بگیرند، کما اینکه در مقطعی که اعلام حضور کرد، شاهد موج گسترده‌ای از تهدیدات و تخریب‌ها علیه خاتمی بودیم. اما با مطرح کردن اما و اگرها و اینکه در این دوره باید شخص دیگری بیاید که حساسیت رویش کمتر باشد، نشانگر آن است که خاتمی در وحله اول نارضایتی قلبی خویش را از حضور در صحنه به مخالفان نشان داد و در درجه دوم با طرح آمدن من یا موسوی، ضمن اینکه بخشی از فشارهای وارده را از خود دور کرد، مهندس موسوی را نیز وارد صحنه کرد تا او نیز در کنارش بماند تا بخش دیگری از آرای مردم را به سید اصلاح‌طلبان سرازیر کند. اگر چه هنوز به طور مشخص معلوم نیست که موسوی به طور مستقل وارد عرصه می‌شود یا از حمایت جناح‌ها برخوردار خواهد بود، در هر حال اعلام حضور فعالانه او در عرصه سیاسی بدون شک جناح اصول‌گرا را دوشقه کرده، به طوری که در حال حاضر بسیاری از اصول‌گرایان معتقدند در صورتی که موسوی به صورت مستقل وارد رقابت‌ها شود، از او حمایت خواهند کرد.